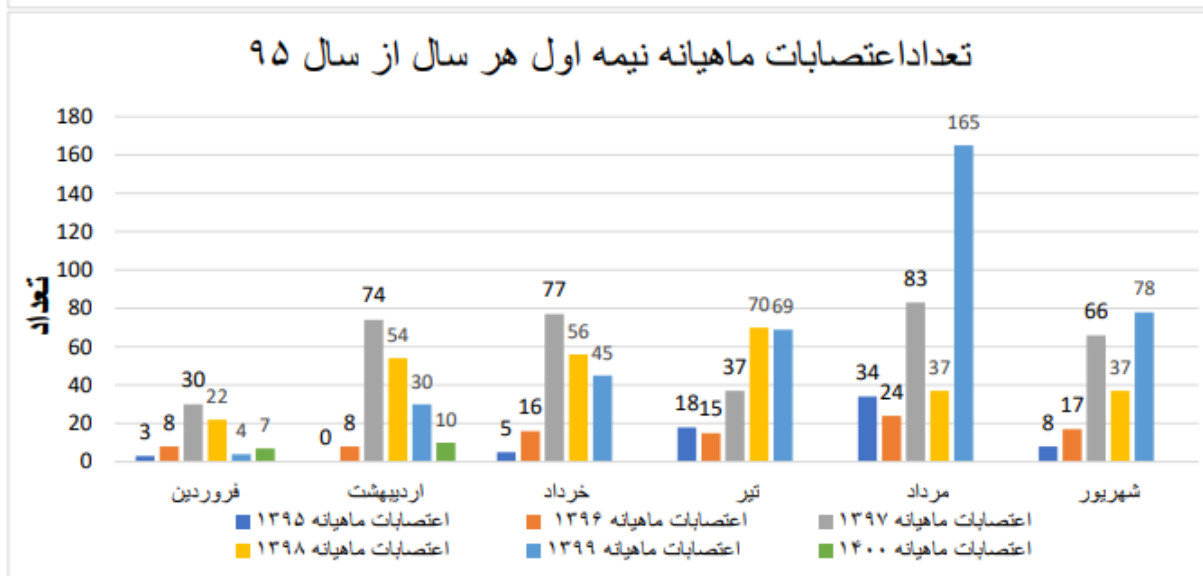
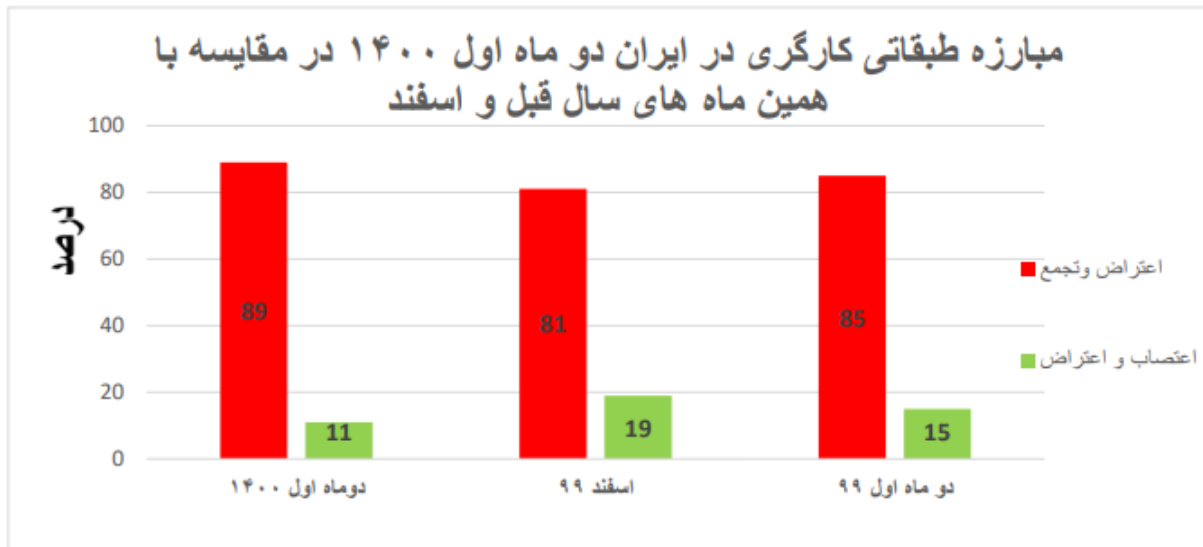


## جنبش کارگری ایران در دوماه اول ۱۴۰۰

با وجودی که از تعداد اعتراضات کارگری علیه سرمایه داران و دولت آن ها نسبت به همین ماه سال پیش کاسته نشده و کارگران همچنان دست به تجمعات اعتراضی می زنند (۸۰ اعتراض و اعتصاب هر ماه) اما چنان که در جمع بست جنبش کارگری سال پیش گفتیم در هیچ یک از این اعتراضات هیچ کارگری و توده کارگر هیچ مجموعه به سراغ دیگر کارگران نرفتند، یکدیگر را جستجو نکردند تا در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها نیرویی طبقاتی، مشترک و سازمان یافته ضد سرمایه داری تشکیل دهند. این روندی است که از مدتی پیش آغاز شده و تا هنگامی که سایه ی سنگین عدم اتکاء به نیروی طبقاتی خود جوش کارگری بر حرکات مسلط است وضع به همین منوال خواهد بود. فاجعه در این است که آثار مخرب پراکندگی کارگران و عدم رجوع به نیروی ضد سرمایه داری یکدیگر، نبود هیچ انسجام و وحدت ضد کارمزدی بین کارگران حوزه های مختلف سرمایه نه فقط در یک شهر و استان بلکه نبود هیچگونه تماس جنبشی ضد سرمایه داری بین کارگرانی که در همسایگی یکدیگر بوسیله سرمایه داران مختلف استثمار می شوند و از این اسفناکتر کارگران یک کارخانه و واحد کار با قرار دادهای کاری مختلف آن چنان بر روحیه خود کارگران تاثیر منفی گذاشته که تعداد شرکت کنندگان در اعتراضات و اعتصابات دائما در حال کاهش است. تاثیر منفی این روند بر جنبش کارگری ایران تا بدانجا پیش رفته که در نبود و کمبود انبوه کارگران فعال در صحنه مبارزه روزمره، برخی کارگران و حتی برخی سندیکا سازان میدان جولان فردی را غنیمت شمرده و وانمود می کنند که سلسله جنبان و عاملان جنبش کارگری آن ها هستند. این آخری برای جنبش کارگری که با شرکت فعال و حضور آحاد کارگران در صحنه نبرد طبقاتی علیه سرمایه مشهور شده بود بسیار خطرناک و ماجراجویانه است. این وضع جنبش کارگری ایران در حالی است که سرمایه داران و دولت آن ها در منتهای استیصال، در هم ریختگی و تلاشی می باشد. این وضع کلیت سرمایه داری جهانی از مدت ها پیش به این طرف است. در این اوضاع یک جنبش سرمایه ستیز، مصمم، دارای سازماندهی حداقل شورایی کارگری می تواند

سرنوشت کل طبقه سرمایه دار حداقل در ایران را در جنبشی ممتد و پیگیر، رقم بزند. همین طبقه حاکم با همه زبونی در حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود و همه پوسیدگی و انحطاطش نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان درمانده و عاجز از حل معضلات خود آفرین و چالش های خود و هر دولت سرمایه ای به فکر چاره اندیشی در چار دیواری خود است. گیج و مبهوت به دور خود می پیچد اما در مقابل طبقه کارگر یکپارچه و متحد عمل می کند و حاضر به دادن هیچ امتیازی که هیچ، حاضر به تقبل دستمزد روزانه، بیمه اجتماعی، تامین حد اقل درمان، کوچکترین تلاش برای مقابله با بلای خود ساخته پاندمی کرونا و غیره و غیره، نیست که نیست. نتیجه این که مبارزه با هدف پس راندن این هیولای ضد بشری کاری است که فقط از عهده یک جنبش سرمایه ستیز مصمم بر می آید. ما هم اکنون با همه وجود خود و علیرغم همه ضعف ها علیه این نظام ضد انسانی مبارزه، اعتراض و اعتصاب می کنیم. روزی نیست جمعی و اعتراضی علیه اجحافات و تعرضات این نظام به حداقل های معیشتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی زندگی ما در گوشه و کنار این جهنم سرمایه داری انجام ندهیم. چالش این مبارزه در پراکندگی، فاقد حداقل تدارک لازم جهت میداناری و صف آرائی مستقل ضد سرمایه داری است. به این پراکندگی با ایجاد شوراهای ضد سرمایه داری پایان دهیم، به قدرت عمل مشترک و طبقاتی خود آگاه شویم و آن را علیه سرمایه داران و دولت آن ها بکار گیریم. هنگامی که توده معترضی که در همسایگی ما در پیچ و تاب مبارزه با صاحب سرمایه ی خود است از تنهایی به در آید و هم‌رزم طبقاتی خود را در وجود و مبارزه ما بیابد. آنوقت است که ما اعتماد به نفس خود را می یابیم، توده های وسیعتری از کارگران به نبرد طبقاتی، اعتراضات و اعتصاب باز می گردند و از این جاست که ما بدون آویختن به هیچ ارگان سرمایه، بدون عجز و لابه به ارکان قدرت سرمایه و با تکیه بر قدرت خود به تعطیل چرخه تولید سود و سرمایه و برای اختلال، اضمحلال و در هم کوبیدن شیرازه نظم و قدرت سرمایه وارد میدان می شویم.



ابراهیم پاینده - خرداد ۱۴۰۰